

گزارش یک نیره ساری

تاچند دهه پیش وقتی از خشونت صحبت می شد ذهن افراد معطوف به گونه‌های خاص خشونت از قبیل خشونت علیه زنان یا خشونت علیه کودکان می‌شد،اما امروزه مفهوم آن گویی گسترده‌تر شده واشکال ومظاهر آن تغییر پیدا کرده‌است، تا جایی که طبق گفته علی محمد رنگانه مدیر کل پیشگیری‌های فرهنگی واجتماعی قوه قضائیه از ۱۰ جرم اصلی ارتکابی اول کشور چهار جرم مستقیماً با خشونت مرتبط است و سالانه ۶۰۰ هزار پرونده در موضوع ضرب و جرح عمدی در کشور تشکیل می‌شود. وی همچنین تأکید کر ده‌است: پروژه ویژه‌ای در سال ۹۷ برای مقابله با خشم در فضای مجازی داریم زیر این مسئله به عنوان یک معضل قابل توجه و یک پدیده نوظهور بسیار مورد توجه‌است و هنوز آنچنان که باید بدان پرداخته نشده‌است. افزون بر این رئیس محاکم عمومی و انقلاب تهران نیز با ارائه آمار پنج جرم نخست نوجوانان، بعد از صدر نشینی رانندگی بدون پروانه، ضرب و جرح عمدی را دومین مورد از جرائم تعریف شده برای نوجوانان معرفی کرده‌است. عباس پوربانی مر تبیط با همین موضوع گفته‌است: در شش ماه گذشته از سال ۹۷، رانندگی بدون پروانه با ۳۵۲ پرونده، در صدر جرائم نوجوانان قرار دارد. بعد از رانندگی بدون پروانه، ضرب و جرح عمدی با ۳۳۵ مورد، سرقت مستوجب تعزیر ۲۸۹ مورد و ایراد صدمات بدنی غیر عمدی ناشی از بی احتیاطی در امر رانندگی با ۹۴ مورد و توهین به اشخاص با ۷۶ مورد در رتبه دوم تا پنجم پرونده‌های نوجوانان از نظر فراوانی قرار دارد. اما خشونت چیست؟ مصادیق آن کدام‌است؟ چه مفاهیمی در جزء و کل راشامل می‌شود و از همه مهم‌تر نوع بر خورد و شیوه مجازات با این نوع جرائم با همان ضرب و جرح عمدی چگونه‌است؟

دایره تعاریف و مصادیق خشونت

از ۱۰ جرم اصلی ارتکابی اول کشور ۴ جرم مستقیماً با خشونت مرتبط است و ضرب و جرح جزو ۵ جرم اول تعریف شده برای نوجوانان در کشور است



مفهوم اجتماعی

در مفهوم اجتماعی، خشونت را می‌توان به وارد آوردن نوعی فشار و زور فیزیکی از سوی یک نهاد، فرد یا گروه، به نهاد، فرد یا گروهی دانست که با هدف وادار کردن آنها به انجام کاری بر خلاف میل و اراده‌شان انجام بگیرد. گفته می‌شود اتفاقاً بسیاری از جرائم اجتماعی نیز ناشی از همین توانایی کنترل نکردن خشم‌است. یعنی همان مفهومی که از اظهارات مدیر کل پیشگیری‌های فرهنگی واجتماعی قوه قضائیه مطرح شده‌است.



مصادیق خشونت در اجتماع

اما آنچه در گفته‌های مدیر کل پیشگیری‌های فرهنگی واجتماعی قوه قضائیه مطرح شده‌است و در ابتدای گزارش بدان پرداختیم، به خشونت‌های ناشی از آسیب‌های اجتماعی برمی‌گردد. یعنی مفهوم اجتماعی خشونت که «تزاغ» و درگیری یا ضرب و جرح عمدی» یکی از مصادیق خشونت در جامعه‌است. ماه‌ها است زنگ خطر نسبت به تزاغ در جامعه و عوامل شکل گیری آن به صدا درآمده‌است و کارشناسان نیز پیش از این بارها نسبت به شمار زیاد تزاغ در جامعه هشدار داده و عقیده داشتند جامعه بی‌طاقت شده‌است. در این میان حتی گفته شد، سهم تهران از همه استان‌های کشور بیشتر است.



جرم ایراد ضرب و جرح در قانون اساسی

بر اساس ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵)، «هرگاه عده‌ای با یکدیگر منازعه کنند، هر یک از شرکت کنندگان در تزاغ، حسب مورد به مجازات مقرر محکوم می‌شوند.» منازعه، درگیری جسمی است و تزاغ لفظی را شامل نمی‌شود، البته برای تحقق این جرم حضور بیش از سه نفر در دعوا ضروری است. شرط تحقق شرکت در تزاغ دسته‌جمعی، نامعلوم بودن نحوه و کیفیت فعل مجرمانه افراد حاضر در منازعه‌است؛ زیرا اگر بتوان مرتکب اصلی را شناخت با او در حدود مواد راجع به ضرب و جرح عمدی رفتار خواهد شد. احراز رابطه علیت بین صدمه و منازعه، ضرورت دارد؛ به‌طوری‌که اگر منازعه نبود، صدمه‌ای هم وارد نمی‌شد. بنابراین در قانون ذکر شده‌است که تزاغ شامل صدمات



تعریف کلی خشونت

خشونت در فرهنگ حقوقی Black به معنای استفاده ناروا، تعرض آمیز و بر خلاف قانون از قدرت آمده و به سوءاستفاده از قدرت علیه آزادی‌ها و حقوق عمومی تعبیر شده‌است. در خصوص جرائم خشونت‌آمیز به جرائمی اشاره شده که جنبه‌های جسمی شدیدی داشته و این خصیصه به عنوان ساختار مجرمانه بودن آن اعمال ضروری دانسته شده‌باشد. خشونت حالتی از رفتار است که در آن فردی با استفاده از نیروی فیزیکی یا غیر فیزیکی خواسته خود را به دیگران تحمیل می‌کند. این شاید ساده‌ترین تعریفی باشد که می‌توان از خشونت ارائه کرد.



تعریف اصطلاحی

از آنجایی که خشونت مفهومی گسترده دارد و شرح معنای اصطلاحی آن متعدد بوده، در تعریف آن مناقشه و مجادله وجود دارد. به طور مثال گاه خشونت به تندخویی و منش و کنش سختگیرانه اطلاق می‌شود. در مجاورات اجتماعی، گاه به معنای برخورد فیزیکی به کار می‌رود و در حوزه حقوق و قانونگذاری و اعمال قانون نیز به معنای قاطعیت و عدم چشمپوشی از خلاف و خطای متهمان و مجرمان به کار می‌رود. حتی طبق برخی تعاریف کاربرد دیگر واژه خشونت در رفتار و روابط اجتماعی و سیاسی بوده که معادل نابرداری مذهبی و عدم مماشات یا رقبای سیاسی است.



تعریف روانشناسی

از سوی دیگر روان‌شناسان اجتماعی و پژوهشگران مسائل سیاسی واجتماعی، تعاریف دیگری از واژه خشونت ارائه داده‌اند. بر خاشاگری، تحمیل اراده خود به دیگران، پیشبرد هدف و قصد با توسل به زور، گفتار و رفتار آزاردهنده، حرکت قهرآمیز ناشی از اراده خاص (خارج از محدوده و قوانین و قواعد) و نیز اعمال نیروی جسمانی یا بدنی برای اینکه به شخص دیگری آزار و آسیب برسانیم یا مجروحش کنیم یا او را بکشیم یا در جهت هدفی که می‌خواهیم به کار بگیریم، از جمله این تعاریف محسوب می‌شود.

گزارش ۲ گندم زمانی

قیمت سکه بالا رفته‌است، زنان مهریه‌ها را به اجرا گذاشته‌اند. آمار محکومان مهریه روزانه بالاتر می‌رود. عده‌ای هم برای فرار از پرداخت مهریه به دنبال خروج از کشور هستند. مسئولان ابراز نگرانی می‌کنند و به دنبال راهکاری هستند. برخی می‌گویند سقف مهریه از ۱۱۰ سکه به ۵۰ سکه تنزل پیدا کند. عده‌ای پیشنهاد محاسبه نرخ روز سکه دارند. اما در مقابل عده‌ای می‌گویند این راهکارها اجحاف در حق زنان است. اما آیا زنان باید نواقض مشکلات اقتصادی کشور را با از بین رفتن حق خود پس دهند؟ از سوی دیگر گفته می‌شود مهریه عندالمطالبه است، اما مطالبه‌ای که این روزها با منافع اقتصادی بدجور گره خورده‌است. به محض بالا رفتن قیمت سکه، به رغم عدم دادخواست طلاق شنیده شده که زنان از این حق خود استفاده کرده‌اند، اما به راستی جدال حفظ حقوق زنان در مقابل افزایش تعداد مردان زندانی ناتوان از پرداخت مهریه شده‌است، چگونه حل خواهد شد؟ آیا زندانی کردن بابت مهریه جایز است؟

گذشت آن دورانی که می‌گفتند مهریه را کی داده و کی گرفته‌است؟ افزایش میلیون قیمت سکه و خلأهای قانونی با بهتر بگویم نواقض قانونی باعث شده تا روند جامعه به سمتی برود که هم مهریه را بگیرند و هم

حقوق

سرویس اجتماعی۸۸۹۹۸۴۴۰۰



حبس و دیه در انتظار منازع ان

مانع اجرای مقررات قصاص یا دیه حسب مورد نخواهد شد.» به عبارت دیگر اگر یکی از منازعین مرتکب قتل فرد دیگری شده باشد، حسب مورد مجازات قتل عمدی یا قتل غیر عمدی را نیز باید تحمل کند. البته در دعواهای دو نفره که عمومیت بیشتری در جامعه دارد، همان ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی، مرجع تصمیم‌گیری خواهد بود و بر اساس آن ماده، علاوه بر حبس که به خاطر برهم زدن نظم عمومی یا جلوگیری از تجری مجرم است، مرتکب به قصاص عضو یا پرداخت دیه هم محکوم خواهد شد.

در خصوصی مجازات کسانی که اقدام به منازعه دسته‌جمعی می‌کنند، ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی مقرر است که «هر یک از شرکت‌کنندگان در نزاع حسب مورد به مجازات زیر محکوم می‌شوند: اول، در صورتی که نزاع منتهی به قتل شود به حبس از یک تا سه سال. دوم، در صورتی که منتهی به نقص عضو شود، به حبس از یک تا سه سال. سوم، در صورتی که منتهی به ضرب و جرح شود، به حبس از سه ماه تا یک سال.» البته در تبصره ۲ این ماده تأکید شده‌است که این مجازات فارغ از بحث دیه و قصاص در موارد مشخص است و تأکید شده‌است که «مجازات‌های فوق

شرکت در نزاع و تحقق نایجایی مثل قتل، نقص عضو یا ضرب و جرح، موجب محکومیت هر یک از مرتکبان به کیفرهای مطرح‌حده قانونی است و ضرورتی ندارد که شرکت‌کننده در نزاع، خود نیز ضرب و جرحی وارد کرده‌باشد.



نزاع و درگیری ساده

اگر نزاع و درگیری در حد منازعه دسته‌جمعی نباشد و تنها یک درگیری ساده باشد، دو طرف بر اساس ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی به واسطه ضرب و جرح عمدی یکدیگر یا بر اساس ماده ۶۱۸ به خاطر اخلال در نظم و آسایش و آرامش عمومی یا بارداشتن مردم از کسب و کار قابل تعقیب و مجازات هستند. بر اساس ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی، «هر کس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه گردد در

مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم‌تجری مرتکب از دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود.» باید توجه داشت که شخصیت مجنی علیه در نزاع دسته‌جمعی مهم نیست یعنی تفاوتی ندارد که مجنی‌علیه از جمله طرف‌های درگیر بوده یا می‌توانی یا شخص ثالثی باشد. بنابراین لازم نیست مجنی‌علیه حتماً خود از شرکت‌کنندگان در منازعه باشد.

جدال حفظ حقوق زنان و چاره‌اندیشی برای مردان ناتوان از پرداخت مهریه

بالا رفتن قیمت سکه باعث شده زنان از حق قانونی خود در عندالمطالبه بودن مهریه استفاده کنند، حالا این مردان هستند که با مشکلات اقتصادی ناتوان از پرداخت مهریه، سر در گم شده‌اند



مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کم‌کان الزامی است.

در اینجا سه حالت می‌توان متصور شد:

حالت اول – مهریه کمتر از ۱۱۰ سکه است: در این صورت باید تمامی مهریه پرداخت‌شود، در غیر این صورت برابر مطابق با ماده ۲۲ قانن مجازات خواهد شد (مطابق ماده ۲ قانون محکومیت‌های مالی). **حالت دوم** – مهریه دقیقاً ۱۱۰ سکه است: مانند حالت اول باید تمامی مهریه پرداخت‌شود، در غیر این صورت برابر قانون رفتار خواهد شد (طبق ماده ۲ قانون محکومیت‌های مالی)

د

برخی حقوق‌دان ها معتقدند چالش «مهریه» در کشور از زمانی مطرح شد که وصول مهریه تا ۱۱۰ سکه مورد حمایت کیفری قرار گرفت و مشمول قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی شد

جوان

۹

ادبیات

میبیا صدقی*

نار کوت‌ورریسم؛ تهدید جدی علیه امنیت ملی

نار کوت‌ورریسم به معنای تروریسم موادمخدر است اما این اصطلاح کمتر به گوش عوام آمده‌است و چه بسا برخی مواقع واژه غربی نیز به حساب آید؛ چراکه تروریسم از دید عرف، صرفاً عملیاتی انتحاری است که موجب کشته شدن تعدادی از انسان‌ها شده، امنیت ظاهری را سلب می‌کند و آمیخته با آسیب‌های جسمانی، مادی بوده و ایجاد رعب و وحشت در جامعه می‌کند. این تعریفی است که عوام از هر نوع عمل تروریستی دارند و غالباً آن را عملی می‌شناسند که صرفاً برای دستیابی به یک خط مشی سیاسی معین طراحی شده‌است و با اسلحه و توپ و تفنگ به صدا درمی‌آید. در حالی که امروزه دست‌های پنهان تروریسم در شاخه‌های آسیب‌زننده اجتماعی نیز ریشه دوانیده‌است و الزاماً با عملیات انتحاری و جنگی همراه نیست. البته به علت غیرقانونی و غیر شرعی بودن هر نوع فعالیت مرتبط با موادمخدر و مشروبات الکلی در نظام اسلامی حاکم در کشور، ما این عنوان چندان به وخامت کشورهای غیراسلامی مطرح نیست و درست به همین خاطر است که نار کوت‌ورریسم می‌تواند تهدید جدی علیه امنیت ملی ما محسوب شود. این ناآشنایی باعث شده که با شنیدن اسم سیستم تجاری موادمخدر به عنوان یکی از صنعت‌های پول‌زایی بازار سیاه، ذهن شنونده به کشورهای امریکایی – آفریقایی که پررنگ‌تر از «کلمبیا» است، متبادر شود.

کشورهایی که از طریق تجارت موادمخدر و اسلحه، بازار پر رونق پول و در آمد را گرم نگه می‌دارند، به باندهای مجرمانه‌ای تقسیم شده‌اند که بخش اعظمی از نظام کشور را تحت‌ید خود گرفته‌اند و چه بسا که این مافیالها تحت حمایت پنهانی دولت خود نیز قرار دارند.

هر چند باید گفت در کشور ماوضع به این نحو مطرح نیست اما خالی از فایده نیست که به بحث موادمخدر یا چشم شکاک «تروریستی» نیز نگاه کرد و آن را رواندار کرد. با وجود اینکه استعمال، نگهداری و خرید و فروش موادمخدر و سایر اعمال مرتبط مندرج در ماده ۱ قانون مبارزه با موادمخدر مصوب ۱۳۸۹ جرم شناخته شده و برای آن مجازات در نظر گرفته شده و به سازمان یافته بودن اعمال ناشی از قاچاق مواد نیز توجه شایانی شده اما دید تروریستی به این پدیده در آن لحاظ نشده‌است؛ چرا که هر فعالیت سازمان‌یافته‌ای به معنای تروریستی بودن آن عمل نیست.

همچنین در بند ب ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم ۱۳۹۴ به قاچاق مواد منفجره و مهمات اشاره شده اما به موادمخدر متغایل نگر دیده‌است، در حالی که امروزه تروریست‌های برای تأمین مالی خود به نار کوت‌ورریسم نیز متوسل شده‌اند. پس نار کوت‌ورریسم چه به عنوان هدف اصلی و چه به عنوان وسیله‌ای برای تأمین مالی اقدام تروریستی دیگر، در هر حال مسئله‌ای جدی و حیاتی است. این خلأ قانونی موجود به این علت است که نگاه تروریستی به موادمخدر وجود ندارد، در حالی که این دشمن خاموش که هر روزه بسیاری از جوانان و نیروهای انسانی این مملکت را به خود آلوده می‌سازد و جامعه را به مرگ کاستری فرو می‌برد، می‌تواند ابزاری خطرناک در دست افرادی باشد که با متوسل شدن به آن، اقدامات تروریستی ضدحکومتی خود را آهسته آهسته بدون آنکه فرد خاصی مقصر جلوه داده شود، به نر می‌رسانند.

امروزه تروریسم به مسئله‌ای حیاتی بین دولی تبدیل شده و بر گزاری نشست‌های داخلی و بین‌المللی در این راستا، گواه بر تصدیق این موضوع است. تروریسم که تعریف واحدی تاکنون برای آن ارائه نشده اما سران کشورها را گرد یک میز جرای تعصیه راه‌حلی واحد، دور هم جمع کرده‌است.

در این بازه‌ای که به طور تئوری در بخش مطالعات و به طور عملیاتی در بخش اجرایی و سرکوبگرانه اعمال انتحاری بدان پرداخته می‌شود، به موازات همان، تروریسم خاموش موادمخدر در جال شیوع و پیشروی بوده و لازم است به عنوان پدیده‌ای مستقل، نه صرفاً از طریق قانونگذاری بلکه توأم با آن از طریق سایر برنامه‌های اجرایی، سیاسی و… به طور جد پرداخته شود و نهادهای امنیتی، نظامی و انتظامی، را در این راستا به کار گیرند. امید است که با هوشیاری و ذکاوت و تدابیر آینده‌نگرانه راه بر دشمنان پنهان و دوستانما از هر جهت مسدود شود.

✽ **کشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی**

دانشنامه‌ها

مجازات کار اجباری

کار اجباری با توجه به ماده ۶ قانون کار به هر شکل ممنوع است و متخلف به استناد ماده ۱۷۲ قانون کار علاوه بر پرداخت اجرت‌المثل کار انجام یافته و جبران خسارت با توجه به شرایط و امکانات خطای مرتائب جرم به حبس از ۹۱ روز تا یک سال و یا جریمه نقدی معادل ۵۰ تا ۲۰۰ برابر حداقل مزد روزانه محکوم خواهد شد.

چگونگی دستور عدم پرداخت و چه چک به بانک

صادر کننده چک با ذینفع یا قائم مقام قانونی آنها با تصریح به اینکه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرائم دیگری تحصیل گردیده می‌تواند کتبا دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. بانک پس از احراز هویت دستور دهننده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارائه چک بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر و تسلیم می‌نماید. دارنده چک می‌تواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت داده شکایت کند و هر گاه خلاف ادعایی که موجب عدم پرداخت شده ثابت گردد دستور دهنده علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۷ این قانون به پرداخت کلیه خسارات وارده به دارنده چک محکوم خواهد شد.

پیشش حقوقی

مردی هنگام ازدواج می‌دانسته همسرش کارمند دولت است و با رضایت به این امر با او ازدواج کرده است. آیا اکنون پس از گذشت مدتی از وقوع ازدواج می‌تواند مانع اشتغال وی از شغل شود یا خیر؟

هر چند اشتغال زن در سازمان‌های دولتی رآ نمی‌توان منافای با حیثیت او تلقی کرد لیکن حکوم ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی به طور عام اطلاق این است که شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافای مصالح خانوادگی با حیثیت خود یا زن باشد منع کند بنابراین در صورتی که شوهر قبل از ازدواج به وضع استخدامی زن آگاه بوده و با رضایت کامل بر این، صغنه عقد نکاح جاری شده باشد می‌تواند از اختیار قانونی خود استفاده کند. هر چند شخصاً نمی‌تواند از اشتغال همسرش جلوگیری کند و به هر تقدیر دادگاه باید طی دادخواستی به ادعا وارد و در خواست شوهر مبنی بر اینکه حرفه یا صنعت عیال او منافای با مصالح خانودگی و حیثیت خود و یا زن است رسیدگی و نفای با اثبات از موضوع اظهار نظر کند.

منظور از «جنبه عمومی جرم» چیست؟

همه جرائم به دو دسته کلی جرم قابل گذشت و جرم غیر قابل گذشت تقسیم می‌شوند. در جرائم قابل گذشت، برای آنکه مقامات قضایی شروع به رسیدگی کنند، نیاز به شکایات شاکی یا مدعی خصوصی است یعنی تا زمانی که کسی شکایتی مطرح نکند، قاضی وارد رسیدگی نمی‌شود مانند فحاشی، توهین، ضرب و جرح و تخریب. همچنین بعد از شکایات شاکی و شروع به رسیدگی، هر گاه شاکی رضایت و گذشت خودش را کتبا اعلام کند، قاضی، دیگر به موضوع رسیدگی نکرده و پرونده را منتهی می‌کند. در جرائم غیر قابل گذشت، ممکن است قاضی با شکایات شاکی شروع به رسیدگی کند، اما رضایت و گذشت شاکی موجب نمی‌شود که رسیدگی را متوقف کند مانند سرقت، کلاهبرداری و… البته گذشت شاکی در این موارد موجب تخفیف در مجازات می‌شود. به این موضوع که قاضی در صورت انصراف شاکی از شکایتش باز هم به رسیدگی قضایی خود ادامه می‌دهد، جنبه عمومی جرم اطلاق می‌شود.